

مصاحبه با رسانه‌های خارجی، بایدها و نبایدها

دکتر نعمت احمدی - وکیل دادگستری

□ وقتی اطلاعیه وزارت اطلاعات را مبنی بر ممنوعیت مصاحبه با رسانه‌های خارجی خواندم و زمانی که تلفنی هم با من تماس گرفته شد که دیگر با رسانه‌های خارجی مصاحبه نکنم والا ... بیشتر دلم گرفت. چندین سال است که با چند رسانه به اصطلاح «بیگانه» مصاحبه می‌کنم ولی تا این تلفن نه کسی از ممنوعیت صحبت با رسانه‌های خارجی با من صحبت کرد، زیرا از نظر حقوقی تاکنون قانونی مبنی بر منع مصاحبه ندیده‌ام و مهم‌تر اینکه بسیاری از دست‌اندرکاران نظام، در گذشته و حال با این رسانه‌ها حداقل - بی بی سی - مصاحبه داشته‌اند و لابد آرشبو این رسانه‌ها گواه صادقی است که تا صدور اطلاعیه وزارت اطلاعات، مصاحبه‌های متعددی در موضوعات مختلف توسط دست‌اندرکاران نظام با این رسانه‌ها صورت گرفته است و به یقین، بخشنامه نمی‌تواند جای قانون را بگیرد و اگر کسی صحبت کرد هیچ مرجعی قادر نیست به استناد بخشنامه با وی برخورد قضائی بکند. اما شرایط فعلی مملکت و مهم‌تر از همه، شیوه بازداشت‌ها باعث می‌شود که افرادی مانند من، فعلاً و بنا به دستور، با این رسانه‌ها صحبت نکنیم، اما پرسش اساسی این است: آیا برنامه این رسانه‌ها خالی از اظهارنظر می‌ماند؟ آیا با دنیای ارتباطات امروزی نمی‌شود به طرق مختلف صدای این رسانه‌ها را شنید؟ رادیو، پهنه اینترنت و امواج ماهواره‌یی که لابد راه حلی برای ارسال آن، در آن سوی آب پیدا خواهند کرد، به گوش مردم نخواهد رسید؟ اما یک مطلب در این جا باعث می‌شود که اخبار و اظهارنظرها یکسویه و غیرواقعی به گوش مردم برسد.

نگارنده سال‌هاست با این رسانه‌ها صحبت می‌کنم و در تمام این سال‌ها یک بار نشده که من به آنها زنگ بزنم، و حتی شماره تلفن آنها را ندارم و یک بار هم نشده که از آن طرف از من بخواهند فلان جواب را بدهم. حرف خودم را زده‌ام و منافع کشورم و خطوط قرمزی که به آن باور دارم، از دین و مذهب و نظام را رعایت کرده‌ام، تا جائی که ظرف این سال‌ها یک بار برای نمونه، از طرف هیچ نهاد یا سازمان یا مرجع قضائی تذکری طی این مدت به من داده نشده و دوستان به من می‌گویند رعایت همه چیز را می‌کنی، البته خودم برای این باورم که باید رعایت کرد، هم در استودیوی رادیو «بی بی سی» از کشور و مردم و نظامم دفاع کردم و هم انتقاد داشتم که در داخل هم

دارم، هم در استودیوی صدای آمریکا به نقد و نقادی پرداختم ولی به عنوان یک ایرانی که خود را وطن پرست می‌دانم علاوه بر رعایت خطوط قرمز در مواردی علی‌رغم ایراد و انتقاد و به حق بودن پرسش مصاحبه گر، چون پای منافع کلی کشورم در میان بود، علیرغم میل باطنی خلاف گفته طرف را می‌خواستم ثابت کنم.

حال، اگر افرادی مانند من ممنوع المصاحبه بشوند و یا اجازه صحبت پیدا نکنند، به جای امثال من چه کسانی طرف مشورت قرار خواهند گرفت و نظریات به اصطلاح کارشناسی خود را بیان خواهند کرد؟ افرادی که حداقل منافع نظام و خطوط قرمز را در نظر نمی‌گیرند و هرچه خواستند می‌گویند و شنوندگان هم باور می‌کنند اما نظام و کشور آسیب می‌بیند از این اظهارنظرهای غیرواقعی.

نمی‌دانم سیستم اطلاعاتی کشور برچه مبنای و مأخذی این اطلاعیه را صادر کرده است و چرا افرادی با تلفن از صحبت با رسانه‌های خارجی ممنوع می‌شوند که علاوه بر سکونت در ایران پای در خاک و دل در گرو ایران دارند و در اظهارنظرهای خود اگر طرف ایران را نگیرند که بعید است، به یقین برخلاف عشق و علاقه‌یی که به خاک و باورهای دینی خود دارند نه اینکه صحبت نخواهند کرد بلکه به جد از آن دفاع خواهند کرد. صدها ساعت بلکه بیشتر نگارنده در وزارت اطلاعات و لابد دیگر نهادها نوارهای صحبتیم با رسانه‌ها موجود است که - خود یک کلمه از این صحبت‌ها را ندارم - اگر یک جمله یا یک مطلب که حاوی مسائل مجرمانه باشد پیدا می‌شد تا به حال آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. ما عاشقان کشوریم نه سخنگوی مخالفین، اعتلاء کشور و رعایت قانون و نقد بی‌قانونی را سرلوحه کار خود قرار داده‌ایم. حال باید دید جای خالی صحبت‌های ما را چه کسی پر خواهد کرد؟ آنانی که حداقل علیه نظام هستند نه امثال من که منتقد عملکرد بعضی امور و اعمال هستیم. وقتی تلویزیون نتواند مخاطب عام خود را قانع کند شبکه «1 farsi» می‌آید که فرهنگ ایرانی را هدف قرار داده، وقتی در داخل کشور نقد و نقادی نشود، دیگرانی به نقد خواهند نشست که مخالف سرسخت نظام و حتی ایران هستند. وقتی رادیو و تلویزیون داخلی، اندک نقدی را بر نمی‌تابد که مثلاً نماینده مجلس - مصطفی کواکبیان - یا استاد دانشگاه - جواد اطاعت - آنرا بیان کنند. آیا برنامه‌های یک‌سویه جواب خواهند داد؟ و یا مردم اگر برنامه خاصی پخش شد، محتوای آن را از - منابع موثق - خواهند شنید؟ صلاح مملکت خویش را خسروان دانند. اما این راهی نیست که به مقصد متعالی نزدیک باشد وقتی که زبان سعدی بسته و شمشیرمخالفین از نیام کشیده باشد. ■

مسئولیت شخصی:

الگوهای تاریخی و تجارب شخصی

سید کرم‌الله رضائی - اصفهان

۵۷ همین شماره‌ی حافظ مطلبی از همسر محترم مرحوم شهید نواب صفوی نقل شده است که آن شهید، نفت را ملی کرده نه مصدق. در حالی که ادعای این بانوی محترمه تضييع حق مرحوم آیت‌الله کاشانی است زیرا این قبیل افراد تاکنون بر این باور بودند که مرحوم آیت‌الله کاشانی نفت را ملی کرده است نه مرحوم دکتر مصدق.

غلامرضا تختی

مرحوم روان شاد غلامرضا تختی که این جانب و پروفیسور امین و همه‌ی دانشجویان دانشگاه‌های مستقر در تهران در ۱۳۴۵ شاهد در مرگ او، عظیم‌ترین تشییع جنازه بوده‌ایم، می‌توانست مثل

□ [بعده‌العنوان و التحیه] مقاله‌ی فوق‌العاده مستند، آموزنده، عبرت‌دهنده‌ی حضرت‌عالی با عنوان «سرسخن» در حافظ شماره‌ی ۶۶ بیانگر وسعت دانش و آگاهی‌های همه‌جانبه‌ی آن بزرگوار و نیز حاکی از عشق و علاقه‌ی جناب‌عالی به وطن و مردم می‌باشد. ای کاش این سخن مشفقانه، مورد مطالعه‌ی مسؤولین و - مأمورین از مقنن و مصوب، آمر و عامل - قرار می‌گرفت.

الف. شواهد تاریخی

این جانب به‌عنوان یک ایرانی مسلمان که به لحاظ وسعت دانش و تعهدتان به امور فرهنگی به آن جناب ارادت خالصانه دارم و معتقدم که آن بزرگوار نماینده‌ی مکتبی است که آسایش خود را فدای آسایش دیگران می‌نماید و در طول تاریخ در هر مقطعی از زمان یکی از آن‌ها قد برافراشته و به قول مولانا: «از هزاران خلق یک تن صوفی‌اند / مابقی در سایه‌ی او می‌زیند» البته از بزرگان جز همین انتظار نمی‌رود. برای مثال،

حسنک وزیر

حسنک وزیر می‌توانست در برابر دسائس و فتنه‌گری مسعود غزنوی سکوت نموده و از تنعمات خود متنعم گردد و یا امیر کبیر به عنوان داماد خاندان سلطنتی می‌توانست دخالت‌های مادر شاه و دیگران را مورد توجه قرار ندهد.

دکتر مصدق

دکتر مصدق در مجلس پنجم (چهارم) مشروطیت، می‌توانست علیه انتقال سلطنت به رضاخان موضع مخالف اتخاذ ننماید و آینده‌ی استبدادی رضاخان را قبل از آمدن به منصه‌ی ظهور برملا ننماید و باز مولانا چه زیبا گفته است: «آن یکی از بعد اعصار و شهور / و آن یکی از بعد مرگ از قعر گور» و یا برای استیفای حقوق ملت و بیداری همه‌ی ملت‌های در بند استعمار پرچم مخالفت را علیه ابرقدرت بریتانیای کبیر در دست نگیرد. هرچند در صفحه‌ی



هزاران ورزشکار معاصرش تعالیم مرحوم آیت‌الله طالقانی و مکتب مبارزه‌ی مصدق را فراموش نموده و پا روی دم غلامرضا پهلوی نگذارد.

اما این بزرگواران به تاسی از سرور و سالار شهیدان و آزادگان حسین بن علی علیه‌السلام در شرایطی احساس تکلیف کردند که یا ننگ اطاعت از یزید و یا تحمل جنگ نابرابر یعنی از دو عدم یکی را انتخاب نمایند که راه شرف، انسانیت، آزادی و حتی جاودانگی را انتخاب کرده و راست‌قامتان تاریخ بلکه از افتخارات تاریخ بشریت شدند.

ب. تجارب شخصی

از موارد متعدد تجارب شخصی و مشاهداتم در جریان انقلاب که مؤید عدم توجیه معذورت مأمور می‌باشد دو نمونه جهت مزید استحضار آن عالم فاضل، و عامل به علم و نیز خوانندگان محترم حافظ ذکر می‌گردد:

۱- از سال ۱۳۵۶ که این‌جانب بخشدار کیار شهرستان شهرکرد شدم، در پاسگاه ژاندارمری شلمزار روستای مرکز بخش، استوار احمدی نامی بود که روحیه‌ی تحریک و دسیسه داشت؛ تا این‌که یکی از موارد اقدامات منجر به درگیری ایشان با رؤسای یکی از ادارات گردید و به مراجع بالاتر منعکس و موجب بازرسی شد. استانداری و فرمانداری روحیه‌ی ناآرام استوار مذکور را تأیید کردند. در نتیجه استاندار به فرماندهی هنگ ژاندارمری توصیه کرد که این استوار جایجا شود لیکن هنگ ژاندارمری به لحاظ دفاع و حمایت از هم‌قطار خویش او را به معاونت پاسگاه شهری فرخشهر که به مراتب بهتر و مهم‌تر از شلمزار بود منتقل نمود. متعاقب این جریان تظاهرات مردم در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. تصادفاً در یکی از روزها که در غیاب فرمانده پاسگاه، استوار مورد نظر فرمانده بود، وی دستور تیراندازی به متظاهرين را صادر می‌کند لیکن سربازها همه مبادرت به شلیک هوایی می‌نمایند و یکی از جوانان رشید و غیور خرمشهر یعنی مرحوم شهید عباس صالحی مردم را به مقاومت و استقامت دعوت می‌نماید و این استوار با گلوله‌ی کلت کمری خود او را به شهادت می‌رساند و بعد از انقلاب توسط حجت‌الاسلام مرحوم خلخالی، استوار احمدی به دار آویخته شد و هم‌اکنون نام شهید عباس صالحی بر اماکن و معابر عمومی است.

۲- در بهمن ۱۳۵۷ مرحوم مهندس مرعشی که ابتدا فرماندار

بندرلنگه و بعد فرماندار بهبهان بود، بخش‌نامه‌های وزارت کشور مبنی بر نحوه‌ی تیراندازی به متظاهرين را بدون ارسال ضمیمه و به صورت انشائی به شهربانی - ژاندارمری و ساواک ارسال نمود. متعاقب این جریان یکی از اهالی بهبهان توسط مأمور شهربانی به شهادت می‌رسد. بعد از پیروزی انقلاب که در اثر پیگیری اولیاء دم، مأمور شهربانی بازداشت می‌شود، افراد شهربانی به دلیل همیّت قسمتی و لوث‌کردن موضوع و شریک جرم پیدا کردن، نامه‌ی فرماندار را به دادگاه انقلاب ارائه می‌دهند و نهایتاً فرماندار هم بازداشت و اعدام می‌شود.

در این‌جاست که باید گفت: «واعتبروا یا و الواصرا» زیرا مهندس مرعشی مرحوم که از نیروهای خوش‌نام و درست وزارت کشور بود، در اثر یک اشتباه، بخشنامه‌ی وزارت کشور را خود انشاء می‌نماید در صورتی‌که از حدود یکصد و شصت فرماندار مشغول به خدمت در وزارت کشور در آن زمان فقط آن مرحوم گرفتار شد. البته همسر ایشان در قم دنبال اثبات بی‌گناهی ایشان بود، ولی قبل از رساندن حکم برائت، حکم اعدام در بهبهان اجرا شد. والسلام علی من اتبع الهدی. ■

خوشنویسی رباعیات امین

رباعیات امین را ده‌ها تن از خوشنویسان

معاصر در گوشه و کنار کشور

خوشنویسی کرده‌اند. از

جمله شبی که در

خدمت استاد حسین

شهبازانی میهمان

انجمن بابلی‌های

مقیم مرکز به مدیریت

آقای دکتر کریمیان بودیم، آقای

محسن مجیدزاده (روجا) از

فرهیختگان گیلان بدون

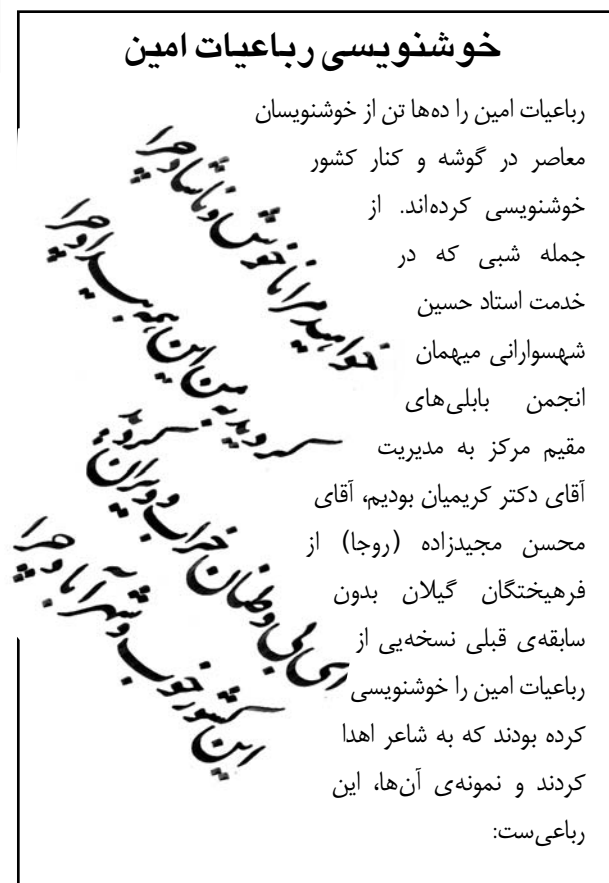
سابقه‌ی قبلی نسخه‌ی از

رباعیات امین را خوشنویسی

کرده بودند که به شاعر اهدا

کردند و نمونه‌ی آن‌ها، این

رباعی‌ست:



در باب ضرورت تحمل و نقش مخالفان در امر توسعه کشور

ضیاء مصباح

کارشناس ارشد علوم اداری

z.mesbah1944@gmail.com

جمهوری اسلامی ایران را قبول نداشته باشند، از همان آغاز انقلاب اسلامی و پیش از پیروزی مورد توجه جامعه ما و گروه های سیاسی بوده و رهبران برجسته انقلاب در این مورد اظهارنظرهایی کرده اند.

به عنوان نمونه رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در اولین مصاحبه خود با روزنامه لوموند فرانسه اظهار داشتند که ... در جامعه‌یی که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود، زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ نیازهای مردم است. (مجموعه‌یی از مکتوبات، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و فتاوی امام خمینی، از نیمه دوم ۱۳۴۱ تا هجرت به پاریس، ۱۴ مهر ۱۳۵۷ گردآوری م. دهنوی انتشارات چاپخش، بهمن ۱۳۶۰).

ایشان همچنین در ۲۰ آبان ۱۳۵۷ در پاسخ نماینده سازمان عفو بین‌الملل که پرسیده بود: آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست‌ها آزادی عقیده و آزادی بیان عقیده دارند؟ و آیا در حکومت اسلامی مارکسیست‌ها آزادی انتخاب شغل دارند؟ جواب دادند که در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند لیکن آزادی خرابکاری را ندارند. (ندای حق، انتشارات قلم، ص ۸۸ بهمن ۱۳۵۷)

بنابراین مخالفان قانونی، طیف وسیعی از احزاب و گروه های سیاسی را تشکیل میدهند که بعضی از آنها به نظام سیاسی (نظام جمهوری اسلامی) اعتقاد دارند و به آن وفادار می باشند و بعضی از آنها ممکن است نظام سیاسی (و یا اعتقادی و یا هر دو) را قبول نداشته باشند اما در هر حال ملتزم و متعهد به قانون هستند و با برنامه ها و عملکردهای حاکمیت مخالفت می کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های عمده مخالفان وفادار تفکیک حاکمیت از نظر نظام است. اظهارنظر، نقد و بررسی عملکرد حاکمیت و اعتراض و انتقاد از حاکمان، معادل انتقاد از نظام نیست. این حاکمان متخلف هستند که به جای توجه به آرای مخالفان و اصلاح خود مخالفان قانونی را به تعارض یا نظام متهم می کنند.

□ در یک جامعه‌ی قانونمند، «مخالف قانونی»، احزاب و گروه‌ها یا شخصیت‌های سیاسی هستند که فعالیت‌های خود را در چهارچوب اصول مطرح در قانون اساسی و قوانین موضوعه انجام می دهند. مخالفان قانونی معمولاً به کسانی گفته می شود که یا به نظام سیاسی تعریف شده در قانون اساسی معتقد و وفادارند یا اگر به نظام اعتقادی ندارند، باز هم از قانون تمکین نموده و خود را مقید و ملتزم به قانون می دانند.

بنابراین مخالفان قانونی، سیاست براندازی و تغییر قهرآمیز نظام را ندارند بلکه محور اصلی و اساسی فعالیت آنها مخالف با برنامه ها و عملکردهای حاکمیت است. حتی آنهایی که نظام را هم قبول ندارند ولی مبارزه و فعالیت قانونی را پذیرفته اند، هر گونه تغییری در ویژگی های نظام راه، از طریق فرایندهای تعریف و پیش بینی شده در قانون اساسی و به طور مسالمت آمیز دنبال می کنند.

بنابراین مخالفان قانونی دو گروه عمده می شوند، یک گروه ممکن است نظام را قبول داشته باشد و یک گروه قبول نداشته باشد ولی هر دو گروه با حاکمیت در تعارض می باشند.

حضور و فعالیت احزاب و گروه های سیاسی غیرمعتقد به نظام اما ملتزم به قانون در بسیاری از کشورهای مردم‌سالار با ویژگی‌های جامعه مدنی، شناخته شده است.

به عنوان مثال می توان از احزاب کمونیست اروپایی نظیر حزب کمونیست ایتالیا یا فرانسه نام برد. این احزاب به جهت اعتقادی معتقد به مارکسیسم هستند و با نظام های سرمایه داری از نوع حاکم بر ایتالیا و فرانسه مخالف می باشند و هدف نهایی اعلام شده آنها، تغییر این نظام ها و جایگزین کردن آنها با نظام‌های سوسیالیستی مورد قبول خودشان می باشد. اما همین احزاب کمونیست اروپایی پذیرفته‌اند که در چهارچوب‌های قانونی فعالیت کنند. سیاست آنها مبارزه قانونی مسالمت آمیز است نه براندازی و توسل به نیروی قهرآمیز.

حضور و فعالیت مخالفان قانونی، حتی مخالفانی که نظام

ضرورت وجود مخالف قانونی

هیچ حاکمیتی و هیچ نظامی در دنیا وجود نداشته و ندارد که مخالف نداشته باشد حتی حکومت عدل علی (ع) که از نظر شیعیان امام معصومی بوده است. بنابراین حتی حکومت امام معصوم هم بدون مخالف نبوده است. تا چه رسد به حکام معمولی، از طرف دیگر حکومت ها، چه مردمی و چه غیرمردمی مصون از خطا و انحراف و تقصیر و قصور نیستند. حکومت‌ها هم معمولاً حاضر به قبول خطاها و اشتباهات خود و اصلاح آنها نمی‌باشند.

احزاب و گروه‌های سیاسی هوادار حاکمیت معمولاً از حاکمیت دفاع می‌کنند و قرار ندارند اشتباهات و خطاهای آن را به مردم گوشزد نمایند. سیاست این احزاب در واقع توجیه رفتارها و برنامه‌های حاکمیت مورد تأییدشان می‌باشد. اما این طور نیست که حاکمیت هر کاری که می‌کند یا هر آنچه در کشور می‌گذرد قابل قبول و به مصلحت مملکت و نظام باشد. احزاب سیاسی مخالف یا مخالفان قانونی در واقع زبان اعتراض و انتقاد و نارضایتی مردم هستند. آنچه را مردم نمی‌دانند یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به زبان بیاورند، احزاب سیاسی مخالف، بیان و مطرح می‌سازند و به سطح آگاهی جامعه منتقل می‌نمایند.

حکومت‌ها نمی‌توانند انتظار داشته باشند مخالف نباشند و نمی‌توانند نارضایتی و اعتراض مردم را سرکوب کنند. حتی اگر هم در سرکوب احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف موفق بشوند، به معنای آن نمی‌باشد که نارضایتی و اعتراض مردم از بین رفته است و جای خود را به رضایت و موافقت داده است. بلکه برعکس سرکوب اعتراضات، موجب تراکم اعتراضات و تبدیل آنها به نیروی انفجاری و قهرآمیز می‌گردد. بنابراین احزاب سیاسی مخالف، راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز ابزار نارضایتی و اعتراض به حکومت را به مردم ارائه می‌دهند تا با طرح آنها در جامعه، راه‌های بهبود اوضاع، ترمیم و تبدیل و تغییر حکومت و سیاستها و برنامه‌ها به طور مسالمت‌آمیز فراهم گردد. در واقع فعالیت احزاب سیاسی مخالف قانونی اثر تعدیل‌کننده را در جامعه دارد.

از طرف دیگر جامعه بشری، یک مجموعه چند بعدی و متکثر است. اختلاف و تکثر فکری، عقیدتی و سیاسی طبیعت جامعه انسانی است. بلوغ و بقای جامعه و رشد و تعالی انسان‌ها به برخورد آراء و عقاید بستگی دارد. احزاب سیاسی مخالف ابزار گفتگو در جامعه هستند. فقدان حضور فعال این نوع احزاب، جامعه را به یک

جامعه ظاهراً صامت و ساکت و تک‌گفتاری تبدیل می‌کند چنین وضعیتی مانع رشد سیاسی و فرهنگی مردم می‌شود. احزاب سیاسی مخالف قانونی موجب رشد و آگاهی جامعه می‌گردند- ارتقا سطح دانش و آگاهی جامعه به میزان فعالیت این نوع مخالفان بستگی دارد. به عبارت دیگر، احزاب سیاسی مخالف، از اجزای اجتناب‌ناپذیر نظام‌های متکی به جمهوریت و مردم‌سالاری است. جمهوریت بدون احزاب سیاسی، و فعالیت احزاب سیاسی، بدون حضور فعال احزاب سیاسی مخالف، معنا و مفهومی ندارد و اصلاً جمهوری نیست.

ملزومات و پیامدهای پذیرش مخالف قانونی

اگر حکومت (یا حاکمیت) اصل حضور فعال احزاب سیاسی مخالف را بپذیرد، لاجرم باید به ابزارهای آن که عبارتند از آزادی مطبوعات، اجتماعات، آزادی راهپیمایی، اعتراض و انتقاد و آزادی اعتصاب ملتزم باشد. احزاب سیاسی مخالف، به دلیل اینکه حزب هستند، باید مرامنامه، اساسنامه مدون و خط مشی و مواضع مشخص و برنامه‌های سیاسی و اقتصادی ایجابی داشته باشند. حزب مخالف قانونی به معنای آن نیست که فاقد برنامه است و تنها هنرش انتقاد و اعتراض به حاکمیت است، به عنوان یک حزب مخالف قانونی، باید بتواند انتقاداتش را از عملکردهای حکام با صراحت بدون پرده پوشی و ترس از سرکوب و با امنیت کامل بیان کند. حاکمیت نمی‌تواند انتظار داشته باشد که ادعا کند احزاب سیاسی مخالف آزادند و وجود و حضور آنها را پذیرفته است، اما حاضر به تحمل اعتراضات و انتقادات احزاب مخالف نباشد. نه تنها باید آنها را تحمل کند بلکه باید امنیت آنها را در برابر گروه‌های ستیزه‌جو و قانون‌گریز درون حاکمیت یا بیرون از آن تأمین نماید.

لازمه تأمین حقوق و آزادی‌های مصرح در فصل سوم قانون اساسی تأمین امنیت فعالیت مخالفان است. ابزار اولیه پذیرش فعالیت مخالفان قانونی حمایت از حقوق قانونی این احزاب است.

در شرایط کنونی جهان، حکومت‌ها از ابزارهای نظامی، امنیتی و سیاسی تبلیغاتی فراوانی برخوردار هستند پذیرش واقعی و صمیمانه حضور مخالف قانونی یعنی امکان استفاده این مخالفان از ابزارهای قانونی به همان میزانی که هواداران حاکمیت بهره‌مند هستند امکاناتی که در اختیار دولت و حاکمیت قرار دارد به همه مردم تعلق دارد. بنابراین همه گروه‌ها باید به یک میزان از آن بهره‌مند شوند. به عنوان مثال، اگر به موجب قانون وزارت ارشاد موظف است کاغذ روزنامه را به نرخ دولتی به مطبوعات بفروشد و این فقط برای

روزنامه‌های دولتی و هوادار و بله قربان گو و تأییدکننده نباشد، بلکه همه روزنامه‌ها، چه موافق و چه مخالف بتوانند از این حق قانونی به یک میزان بهره برند.

همچنین است استفاده احزاب سیاسی و مخالفان قانونی از امکانات صدا و سیما، و یا مساجد و سایر امکاناتی که از محل درآمدهای عمومی به وجود آمده اند. در ترکیه، که نظامیان لائیک مدتها حاکم بودند، مقررات قانون حکم می کند که به منظور رشد و ارتقای سیاسی مردم و فراهم آمدن ابزار جمهوریت، از احزاب سیاسی حمایت شود. یکی از راه‌های حمایت دولت از احزاب سیاسی پرداخت کمک مالی به احزاب است. جالب توجه این است که حزب رفاه، حزب اسلام گرایی که در نهایت حکومت را در دست گرفت، به موجب همین قانون از کمک‌های دولتی برخوردار بود و دولت نمی توانست از پرداخت آن سرباز زند و تنها هنگامی که دادگاه حزب رفاه را در گذشته‌های نه چندان دور و قبل از کسب اکثریت و در اختیار گرفتن دولت غیرقانونی اعلام کرد. دادگاه حزب را موظف کرد کمک‌های دریافتی دولت را بازپس دهد.

و اما پیامدهای پذیرش مخالف قانونی: اولین و عمده‌ترین پیامد این پذیرش عبارت از این است که حاکمیت آمادگی داشته باشد و قبول کند که احزاب سیاسی مخالف، با جلب حمایت آراء و افکار عمومی، از طریق فرایندهای قانونی ممکن است جایگزین آنها شده و قدرت را در دست بگیرند.

حاکمیت باید بپذیرد که مساوی و معادل با نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه به موجب قانون اساسی، حاکمیت یک پدیده متغیر و متحول و پویاست. هر چهار سال یک بار مردم حق دارند نمایندگان جدیدی را برای مجلس انتخاب کنند این نمایندگان جدید، رئیس جدیدی را انتخاب می کنند و قوانین جدیدی را به تصویب می‌رسانند و می‌توانند اعضای جدیدی برای شورای نگهبان انتخاب کنند.

مردم حق دارند هر چهار سال یک بار رئیس جمهور جدیدی را انتخاب کنند و این رئیس جمهور می تواند وزراء و همکاران کاملاً جدیدی برای خود برگزیند.

مردم حق دارند هر هشت سال یکبار، اعضای مجلس خبرگان رهبری را انتخاب کنند و این نمایندگان می توانند در چهارچوب قانون اساسی رهبری را تغییر بدهند و به دنبال آن رئیس قوه قضاییه، فقهای شورای نگهبان، فرماندهان نیروهای مسلح، همه تغییر پیدا کنند.

بنابراین براساس پذیرش حق حاکمیت ملت و بر طبق رکن جمهوریت نظام، مردم حق دارند از طریق انتخابات ادواری حاکمیت را

به طور نسبی یا به طور کامل تغییر بدهند بدون آنکه این تغییرات لزوماً به نظام آسیبی برساند بلکه برعکس این نوع حقوق و این نوع تغییرات خود موجب ثبات و تعمیق ثبات نظام می گردد.

پذیرش اصل فعالیت آزاد مخالفان قانونی به این معناست که از میان احزاب سیاسی مخالف، یک حزب یا ائتلافی از احزاب بتواند با ارائه برنامه‌های بهتر و با جلب حمایت مردم اکثریت را در مجلس نمایندگان به دست بگیرد در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود و از یک حزب اقلیت مخالف قانونی، به یک حزب یا گروه حاکم تبدیل گردد. و این بزرگترین پیامدی است که حاکمیت باید خود را آماده پذیرش آن بنماید بزرگترین مانع پذیرش فعالیت احزاب سیاسی مخالف از طرف حاکمیت، همین نگرانی از جابه جایی قدرت است. در حالی که بزرگترین نعمت یک نظام و قوی ترین عامل تثبیت یک نظام اسلامی مبتنی بر جمهوریت، همین امکان جابه جایی مسالمت آمیز و قانونی قدرت است.

نکته دومی که حاکمیت باید بپذیرد این است که جابه جایی قدرت به معنای خروج و محو گروه حاکم از صحنه سیاسی نیست. طبیعت نظام مبتنی بر جمهوریت و جابه جایی مسالمت آمیز قدرت این است که گروهی که قدرت را از دست می دهد از حاکمیت بیرون می آید ولی در ساختار قدرت سیاسی کشور، به عنوان یک گروه سیاسی قدرتمند باقی می ماند. و چه بسا به دلیل تجربه‌هایی که در مقام حکومت و قدرت کسب کرده و اندوخته است بهتر بتواند نقش یک حزب سیاسی مخالف جدیدی را بازی کند. ذکر یک مثال ممکن است مفید باشد. در نیگاراگوا ساندنیستها اصل برگزاری انتخابات آزاد را پذیرفتند و به ابزارهای ضروری آن متعهد شدند و پیامد آن راه، که از دست دادن بخشی از قدرت حکومت بود پذیرفتند. اما همین امر به آنها امکان داد به عنوان یک حزب سیاسی قدرتمند در صحنه سیاسی کشور باقی بمانند و در حفظ تعادل سیاسی حضور موثر داشته باشند. ساندنیستها، به صورت یک حزب و قدرت سیاسی بدیل حضور و موفقیت در جلب حمایت اکثر مردم را مجدداً بدست آوردند.

این نوع پیامدها، یعنی جابه جایی مسالمت آمیز قدرت از عناصر بسیار ضروری و مفید برای رشد و توسعه کشور است. گروهی که بر سر کار است، در هر حال چون می داند اگر به نارضایتی مردم بی‌اعتنایی کند، مردم به او رأی نخواهند داد مجبور است با ارائه خدمات رضایت مردم را جلب کند و گام‌های موثری برای ملت بردارد. و چون احزاب سیاسی مخالف قانونی حضور دارند و از امکانات و ابزارهای لازم برخوردارند، حاکمیت نمی تواند ظاهرسازی کند، پیشرفت‌های

دروغین را تبلیغ نماید، و اگر در جایی، فسادی در ارکان حکومت بروز کند آن را پنهان سازد.

در طرف دیگر، حاکمیت هر قدر هم قصد خدمت داشته باشد و با تمام نیرو خدمت کند، چون نمی تواند تمام توقعات مردم را برآورده نماید، مردم ممکن است به امید دریافت خدمات بهتر و بیشتر، به حزب یا احزاب مخالف روی بیاورند و به آنها رأی بدهند. اما حزب مخالف هم وقتی حاکم می شود در هر حال نخواهد توانست تمام توقعات و انتظارات را تأمین نماید، اما به اجبار گامهایی در جهت بهبود وضع سیاسی و اقتصادی مردم بر می دارد و خدماتی را ارائه و اصلاحاتی را انجام می دهد خود این امر یعنی به وجود آمدن فرایند مسابقه در خیرات و خدمات به مردم. بدین گونه است که راه رشد و توسعه هموار می گردد.

خط سرخ‌ها برای احزاب مخالف قانونی کجاست و چیست؟

خط سرخ را می توان از دو نوع دانست، یک دسته خط سرخ‌های قانونی مشخص و نوشته شده و یک دسته خط سرخ‌های نانوشته ولی ضروری برای رعایت آنها.

خط سرخ از نوع گروه اول، مقررات قانونی برای حاکمیت و برای احزاب سیاسی مخالف است. حاکمیت باید بداند و بپذیرد که اگر تسلیم قانون نشود، و رعایت آن را وجه همت خود قرار ندهد و حق مردم را در طرح ایراد و نصیحت زیر پا بگذارد، دیر یا زود خود و نظام را به ورطه سقوط می کشاند. از رسول گرامی (ص) نقل است که اولی الامر خود را با امر به معروف و نهی از منکر بسنجید. امروز معروف دعوت به قانونمندی و قانون‌گرایی است. قانون اساسی میثاق میان مردم و دولت است. نقض تعهدات از طرف حاکمیت، به طور یک طرفه، موجب بحران مشروعیت و مقبولیت حاکمیت می گردد.

تا آنجا که به احزاب مخالف مربوط می شود، باید توجه کرد که هر مبارزه ای قانونمندی خاص خود را دارد. در دوران استبداد سلطنتی، برخی از گروه‌ها و سازمانها مبارزه قهرآمیز مسلحانه را انتخاب کرده بودند. این نوع مبارزه نیازمند سازماندهی مخفی ویژه‌ای است. مبارزه قهرآمیز و سازماندهی مخفی قانونمندی خود را دارد. که هرگاه از آن تخطی شود سازمان و مبارزه لطمه جدی می خورد و چه بسا نابود می گردد.

مبارزه سیاسی علنی قانونی نیز قانونمندی خود را دارد. هر نوع تخلف در این مقررات به نابودی مبارزه علنی منجر می گردد.

ابتدایی ترین و اصولی ترین قانونمندی این است که حرکت سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه صورت گیرد. یک حزب ممکن است از حیث اعتقادی و آرمانی به یک اصل قانون اساسی اعتقاد نداشته باشد اما وقتی شیوه مبارزه قانونی مسالمت آمیز را پذیرفته است و خود را به قانون اساسی ملتزم می داند، این تعهد و التزام باید صادقانه و صمیمانه باشد. اظهار عقیده آزاد درباره یک اصل قانونی یک چیز است و التزام به قانون امر دیگری است می توان با یک اصل مخالف بود اما در عین حال به آن التزام داشت.

اما خط سرخ نانوشته عبارت است از تدبیر و فرزندی سیاسی، هم برای حاکمیت و هم برای احزاب سیاسی مخالف قانونی.

یک حزب سیاسی مخالف ممکن است در حرکتی، به نحوی از انحاء، خط سرخ قانونی را زیر پا بگذارد. اینکه واکنش حاکمیت چه باید باشد و چگونه، تابع فرزندی تصمیم گیرندگان است. از طرف دیگر، احزاب سیاسی مخالف نیز می توانند در چهارچوب مقررات فعالیت های قانونی داشته باشند اما شتاب حرکت، نوع مطالبی که عنوان می شود نیاز به تدبیر سیاسی دارد. هر نوع حرکت سیاسی قانونی لزوماً مدبرانه نیست. اصطلاح چپ روی بیمارگونه، در واقع بیان دیگری از این واقعیت است.

بسیاری از شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های مخالف در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران قادر نیستند حرکت خود را با آهنگ حرکت کل جامعه تنظیم نمایند. بنابراین گاهی آن چنان تند می روند که از مردم فاصله می گیرند و تک سواران پرشتاب می شوند.

شرایط جامعه کنونی ایران ما، بیش از هر زمان، پرهیز از تندروی‌های عاطفی و به کارگیری تدبیر سیاسی را از همدلی طرفهای درگیر می پذیرد. در جهان سوم، به قول پوپر، تثبیت و رشد دموکراسی همان اندازه که به عملکرد حاکمیت وابسته است به عملکرد روشنفکران و مخالفان سیاسی نیز بستگی پیدا کرده است. این خط سرخ را نمی توان در قوانین موضوعه پیدا کرد.

حاکمیت اگر اصل فعالیت احزاب سیاسی مخالف قانونی را می‌پذیرد، لاجرم باید تعهدات قانونی خود را همراه با درایت رعایت نماید و هنگامی که چنین پذیرشی صورت خارجی پیدا می کند و حاکمیت به فعالیت آزاد همه احزاب سیاسی اعم از موافق و مخالف تن در می دهد، احزاب سیاسی، اعم از موافق حاکمیت یا مخالف آن نیز لاجرم باید چهارچوب‌ها، نوشته و نانوشته را به خاطر یک اصل بزرگتر، یعنی ایجاد یک جامعه مدنی قانونمند که همه بتوانند در آن به راحتی و با امنیت تنفس کنند، رعایت نمایند. ■

برخورد

آراء و اندیشه‌ها

همه قیل و قال ندارد. و اساساً چه اشکالی دارد که پروسه‌ی مذهب و خداشناسی در روزگار باستان به کمال آخرین و امروزی نرسیده باشد؟

در پایان استدعا دارم مراتب امتنان مرا به استاد هم‌نامم دکتر سیدجمال سجادی ابلاغ فرمایید. و از حضرت عالی هم که امکان چنین مباحثات و تعامل‌های پرثمری را فراهم می‌کنید، سپاسگزاری می‌نمایم.

الکساندر دومارانش و انقلاب ایران

دکتر خسرو کاظمی - کالیفرنیا

در ماهنامه‌ی شماره‌ی ۶۶ متعلق به بهمن ۱۳۸۸ مطلب جالبی با عنوان «انقلاب ۱۳۵۷ ایران، به روایت یک فرانسوی» منتشر کرده بودید که سرشار از اطلاعات دقیق و دست اول بود. کنت دومارانش، کتابی نیز با عنوان جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت نوشته و منتشر کرده است که طی آن از ملاقات خود با رونالد ریگان (رییس‌جمهور اسبق آمریکا) و دغدغه‌ی او بابت آزادکردن گروگان‌های آمریکایی در ایران و مطالب دیگر، سخن گفته است. شاید بی‌مناسبت نباشد که قسمتی از آن کتاب را نیز در مجله ترجمه کرده و چاپ کنید.

سنت‌های گسیخته و نیازهای تازه‌ی آن

جلال مهدیانی - تهران

به دعوت شهرداری منطقه‌ی ۳ تهران و با همکاری دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، همایشی با عنوان «زندگی شهر: سنت‌های گسیخته و نیازهای تازه» در روز شنبه اول اسفند ۱۳۸۸ در فرهنگسرای ارسباران به مدیریت آقای منیعی

نظری منصفانه درباره‌ی دین زرتشت

سید جمال نکوقدم مطلق - تهران

[بعداالعنوان و التحیه] جوابی را که در شماره‌ی ۶۶ بهمن ماه ۱۳۸۸ به مرقومه‌ی این جانب از جناب دکتر سید جمال سجادی از نوشهر چاپ فرمودید، خواندم و بسیار استفاده کردم و معلوم گشت برخی مطالب موهوم در مذاهب ممکن است پرداخته‌ی متولیان بی‌سواد یا فرصت‌طلب باشد. البته در توجیه ثنویت در دین زرتشت با این که تمام شرور در عالم عدم الخیراست و «عدم» خالق ندارد که فرضاً اهرمن باشد، به نظر می‌رسد با عرض معذرت کمی «ماست‌مالی کردن» باشد، چون چیزی که سرپایش عدم است، این

حضرت علامه سید حسن امین، مدیر نشریه گرانسنگ در جناب
فصلی موقر از سید جمال
جوابی که در شماره ۶۶ بهمن ماه به مرقومه این جانب از جناب دکتر سید جمال
سجادی از نوشهر مرقوم فرمودید خواندم و بسیار استفاده کردم و معلوم گشت
برخی مطالب موهوم در مذاهب ممکن است پرداخته‌ی متولیان
بی‌سواد یا فرصت‌طلب باشد. البته در توجیه ثنویت در دین زرتشت
با اینکه تمام شرور در عالم عدم الخیراست و عدم خالق ندارد که فرضاً
اهرمن باشد، به نظر می‌رسد با عرض معذرت کمی «ماست‌مالی کردن» باشد
چون چیزی که فرضاً اهرمن است عدم هست انچه قیل و قال ندارد. و اساساً به این دلیل
که پروسه مذهب و خداشناسی در روزگار باستان به کمال آخرین و امروزی نرسیده
باشد. در پایان استدعا دارم مراتب امتنان مرا به استاد هم‌نامم دکتر سید جمال
سجادی ابلاغ فرمایید. و از حضرت عالی هم که امکان چنین مباحثات و تعامل‌های
پرثمری را فراهم می‌کنید، سپاسگزاری می‌نمایم.
سید جمال نکوقدم مطلق
۹۹۹۶۸۴۸۷

معاون اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ی ۳) برگزار شد که پژوهش‌های متعددی در این زمینه وسیله‌ی متخصصان و پژوهشگران با حضور مسؤولان شهرداری و نیز چهره‌های فرهنگی اجتماعی از جمله پروفسور سید حسن امین، استاد غلام‌حسین قرشی، مهندس حسین منوچهری ارائه گردید.

سخنرانان این همایش عبارت بودند از: دکتر وجیه‌الله آقائقی، دکتر ریاضی، دکتر قاضی‌نژاد، جعفرزاده، نوری‌نیا، سجادنژاد و... یکی از مهم‌ترین مشکلات ارائه شده در این همایش، مسأله‌ی کودکان خیابانی در سطح کلان‌شهر تهران بود که البته در مناطق مختلف شهرداری، متفاوت بودند و از دلایل مهم این مشکلات، گسیخته‌شدن سنت‌های اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و دینی در جامعه‌ی مدرن است.

نقد خسرو گل‌سرخ‌ی و ...

دکتر سعید سادات - تهران

در صفحه‌ی ۲۴ به بعد در شماره‌ی ۶۶ مجله، مقاله‌ی در تمجید خسرو گل‌سرخ‌ی و در صفحه‌ی ۶۴ مجله‌ی ۶۷، مطلبی در نقد شما و دفاع از داریوش فروهر و در شماره‌ی ۶۶ در صفحه‌ی ۶۵ مطلبی در دفاع از سعیدی سیرجانی و نقد استاد باستانی پاریزی و هم در شماره‌های مختلف مزبور مطالبی در تمجید فروغ فرخزاد و شریعتی چاپ شده بود. باید گفت که در این کشور عجیب و غریب ما، اشخاص تا زنده‌اند قدری ندارند و پس از مرگ، همه بارززش می‌شوند؛ حالا اگر به هر دلیل اشخاص کشته شوند، دیگر جزو قدیسین می‌شوند. نمونه‌اش: صور اسرافیل، گل‌سرخ‌ی، فروهر، فروغ فرخزاد، سعیدی سیرجانی و شریعتی.

محوریت اصلی تقدیس این اشخاص هم، کشته‌شدن آن‌هاست که مخصوصاً از گل‌سرخ‌ی چهره‌ی اسطوره‌ی ساخته‌اند. گل‌سرخ‌ی و یا مثلاً صور اسرافیل، به حکایت آثارشان هیچ‌کدام در ردیف اشخاص ممتاز ایران نبودند. تنها امتیاز آن‌ها تهورشان بود. به طوری که نجف دریابندری صریحاً گفته است: «خسرو گل‌سرخ‌ی در دادگاه، خسرو گل‌سرخ‌ی شد. قبل از آن، یک آدم معمولی بود. چیزهایی هم به اسم شعر می‌نوشت. عقاید و اندیشه‌هایش هیچ اهمیتی نداشت.» (بخاره، شماره‌ی ۷۲ و ۷۳، صفحات ۲۰۴-۲۰۶)

اما نوشته‌ی که در حافظ ۶۷ در دفاع از فروهر و در حقیقت

حمله به حافظ بود، به قدری پرخاشجویانه و غیرمستند و عاری از حقیقت است که تعجب کردم خوانندگان را از چاپ آن چه نفعی متصور است جز از این که از استاد امین بیاموزیم که باید به مخالف هم فرصت اظهار وجود داد.

خواهشمندم اطلاعات کافی از سابقه‌ی حزب پان‌ایرانیست و حزب نبرد ایران و چگونگی پیوستن و گسستن اشخاص از این احزاب را به طور مستند چاپ کنید. مرحوم دکتر امیر شاپور زندیا که با تیمور بختیار برای براندازی شاه به خارج از کشور رفته و در ۱۳۴۷ در لبنان به امر شاه دستگیر و زندانی شد، در این باره یادداشت‌هایی دارد که خیلی چیزها را افشا می‌کند. دکتر علی‌اصغر حاج سیدجوادی هم در خاطرات خود تا حدی پرده از واقعیات برمی‌دارد. من برای همه‌ی شهیدان و مبارزان سیاسی، احترام قائلم ولی از کسی بت نباید ساخت.

در دفاع از استاد باستانی پاریزی

عبدالحسین نهجیری (دبیر تاریخ) - اصفهان

در شماره‌ی ۶۶ ماهنامه‌ی وزین حافظ، مقاله‌ی جناب آقای ایرج حدیدی (کارشناس ارشد تاریخ از بیرجند)، نقد و انتقاد نیست؛ در حقیقت «ذم» و «هجو» است. در تمام کتاب‌های فرهنگ و لغت پارسی، در مورد انتقاد و نقد چنین نوشته شده است: «انتقاد عبارت است از شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی یا سنجش اثری ادبی یا هنری بر معیار عملی تثبیت شده.» (لغت‌نامه‌ی دهخدا، دوره‌ی جدید، ج ۳، ص ۳۴۵۷ و فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۶۵، چاپ هشتم، سال ۶۴)

در همان منابع در مورد نقد چنین آمده است: «نظر کردن در شعر و سخن و تمیز دادن خوب آن از بدش. تمیز دادن خوب از بد، آشکار کردن محاسن از معایب.» (لغت‌نامه‌ی دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۶۵۶ و فرهنگ معین، ج ۴، ص ۴۷۸۴)

۱- آیا آقای ایرج حدیدی در مقاله‌ی خود، یک جمله و فقط یک جمله از محاسن نیز گفته است؟ یا فقط به معایب پرداخته است؟! اگر نویسنده‌ی مقاله منظورش ذکر معایب است؛ چرا تحت عنوان «نقد»، فلم‌فرسایی کرده است؛ بسیار راحت نام مقاله را «هجو» می‌گذاشت.

۲- آقای ایرج حدیدی فرموده‌اند: «نوشته‌های حضرت استاد

پاریزی به طور تام و تمام با موازین و قوانین علم تاریخ و معیارهای تحقیق علمی مطابقت ندارد و جملگی مردم‌پسند و باب طبع تنوع پذیر مردم است و سرگرم کننده. به عنوان شاهد مدعیام، نظر یکی از استادان بنام تاریخ که خود دکتر تاریخ و میرز در علم تاریخ است را بدون ذکر نام می‌آورم. حدود سیزده سال پیش این استاد محترم در جلسه‌ی درسی در پاسخ دوستی که از ایشان درباره‌ی آثار استاد پاریزی و مورخ بودن استاد پرسید، این‌گونه پاسخ دادند: استاد دکتر باستانی پاریزی مورخ به معنای واقعی آن نیستند، بلکه جناب ایشان مردم‌نویس هستند.»

اولاً، منظور از «موازین و قوانین علم تاریخ چیست؟!» وقتی امثال بنده و جناب آقای ایرج حدیدی هنوز به دنیا نیامده بودیم؛ استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، «هفت شهر عشق» را گشته بود؛ بنده هنوز اندر خم یک کوچه‌ام؛ آقای حدیدی را نمی‌دانم. اتفاقاً مقاله‌ها و کتاب‌های دکتر باستانی پاریزی، بر طبق «موازین و قوانین علم تاریخ» است. استاد باستانی پاریزی در نویسندگی صاحب سبک است. موضوعی را مطرح می‌کند و از جنبه‌های مختلف، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. بین گذشته و حال پلی برقرار می‌کند و سپس نتیجه‌گیری می‌کند در حقیقت استاد باستانی پاریزی، همان روشی را که مولوی در مثنوی به کار برده است، در تاریخ به کار می‌برد؛ یعنی مطرح کردن موضوع‌های مختلف و در نهایت نتیجه‌گیری.

۲- استاد محترم و بنام که بنا به گفته‌ی آقای حدیدی سیزده سال پیش در کلاس درس گفته است: «استاد باستانی پاریزی مورخ به معنای واقعی آن نیستند؛ بلکه ایشان مردم‌نویس هستند.»

این حقیر بی‌نام، گمنام و بدون ادعا، از آقای حدیدی و استاد محترم بنام‌شان می‌پرسم، آیا از نظر اخلاقی، انسانی، وجدانی، عرف و شرع صحیح و درست است که استادی در کلاس درس، استاد دیگری را تخطئه کند؟!

۳- چند بار در مقاله‌ی آیای حدیدی از مردم‌نویس و مردم‌پسند بودن کتاب‌های استاد باستانی پاریزی، سخن به میان آمده است. به نظر این بنده‌ی حقیر این موضوع برای استاد پاریزی افتخار و هنر است. اگر نویسنده‌ی چنین سبک و روشی داشته باشد زهی سعادت و خوشا به حالش و برقرار و مستدام باد قلمش. وانگهی، آقای حدیدی عزیز، مردم از من و شما وقایع و حوادث تاریخی را بهتر تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ اگر قبول ندارید با چند نفر از آن‌ها بحث و گفت‌وگو کنید.

۴- استاد دکتر باستانی پاریزی، نه تنها از نظر استادان دانشگاه‌های ایران، بلکه از نظر اساتید بیش‌تر دانشگاه‌های جهان فردی شناخته شده و از نظر علمی مورد قبول خواص و عوام می‌باشد.

۵- آقای حدیدی عزیز، مرقوم فرموده‌اید: «مورخ و دانشمند علوم انسانی می‌بایست واجد روح تمام عیار ملّ باشد. روح علمی یعنی: روحی ملازم با تقوای انسانی و عاری از علایق شدید نفسانی و نگرش و جهان‌بینی روشن و ژرف مردم‌سالارانه و شایسته‌سالارانه.»

آقای حدیدی، شما که مردم‌نویس بودن استاد پاریزی را عیب دانسته‌اید؛ چرا صحبت از مردم‌سالارانه و شایسته‌سالارانه می‌کنید؟! آیا روحی ملازم با تقوای انسانی و عاری از علایق شدید نفسانی، در جناب دکتر باستانی پاریزی وجود ندارد؟ این موضوع دیگر بسیار غیرمنصفانه و عجیب است.

۶- در تمام کتاب‌های استاد باستانی پاریزی، درد مردم، رنج مردم و مشکلات آن‌ها به خوبی نمایان است. کتاب **گذار زن** از گذار تاریخ را حتماً خوانده‌اید، در این کتاب از فجایع و مصیبتی که بر زنان ایران، بلکه جهان، در طول تاریخ وارد آمده است، سخن به میان آمده است و از این قشر محترم جامعه به خوبی دفاع شده است و جمله‌ی بسیار پرمعنا و کنایه‌آمیز استاد: «شاید هم بالاخره باید دست به سیم آخر زد و اخرا اللّواء الکی، را چاره‌ی کار دانست و مثل اعراب جاهلی، ریشه‌ی اجناس لطیف را کند، که کسی دستش به آنان نرسد.» (گذار زن از گذار تاریخ، دکتر باستانی پاریزی، ص ۴۹۶)

به نظر این بنده حقیر، چه دردها، چه رازها و چه اسرار مگویی که فقط در همین جمله نهفته است. دوست عزیز، آقای حدیدی، جمله‌های دکتر باستانی پاریزی، کلمه به کلمه هم دارای پوست‌اند و هم دارای مغز، فقط به ظاهر جمله توجه نکنیم.

۷- در خاتمه، مطالبی از دکتر باستانی پاریزی، در مورد روش ایشان در تاریخ‌نگاری نقل می‌شود: «به نظر من هیچ تضادی میان دانشمند بودن واقعی و طرز بیان عامیانه‌ی سهل‌الفهم وجود ندارد. گاهی بعضی نوشته‌ها و مطالب را می‌بینیم، انگار نویسندگان آن‌ها فراموش کرده‌اند که این مطالب را برای مردم می‌نویسند و باید عده‌ی بسیار از آن‌ها استفاده کنند؛ خیال نمی‌کنم این کار خوبی باشد؛ زیرا نویسندگان از مردم جدا می‌شود.» (حصیرستان، دکتر باستانی پاریزی، صص ۱۲۱-۱۲۰)

با شاعران امروز زیر نظر شورای شعر

- «بخش شعر» ما، به حقیقت بخشی از «دانشنامه‌ی ادبیات معاصر ایران» است. همراه اشعارتان، مختصری از شرح حال خود را نیز بنویسید!
- اشعار پس از تأیید شورای شعر، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد و اگر از ارزش کافی برخوردار باشد، در «دانشنامه‌ی شاعران معاصر ایران»، در مدخل نام شاعر چاپ خواهد شد.
- در صورت علاقه، گزیده‌ی از شعرهای شاعران معاصر مورد علاقه‌تان را همراه شرح حال مستند آن شاعران، برای ما بفرستید.

تهران - تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر - پلاک ۳۱۲ - ماهنامه‌ی حافظ (بخش شعر) - کدپستی ۱۴۱۶۸

نوروزیه

عید نوروز عید ملی ماست
دوستان عیدتان مبارک باد
اول سال در چنین روزی
فکرتان را ز غم کنید آزاد
شادی و شادمانی و خنده
هست سرمایه‌ی صفا و وداد
به غم و قصه گر نکنید عادت
می‌رود کل عمرتان بر باد
رودکی شاعر گران‌مایه
شاعر نامی آن مهین استاد
پند شایسته‌ی بیان فرمود
بهر ایرانیان پاک نهاد
«شاد زی با سیاه چشمان شاد»
«که جهان نیست جز فسانه و باد»
«ز آمده شادمان نباید بود»
«و ز گذشته نکرد باید یاد»
کاسمی نیز در چنین ایام
ضمن تبریک و شادباش زیاد
از خدای بزرگ می‌خواهد
خاطر دوستان نماید شاد
کار من خدمت است بی‌منت
چون به این کار گشته‌ام معتاد
بهر تأمین عیش و شادی‌تان
بنده‌ی ناتوان به خرج افتاد
تا ناهاری نماید آماده
چون ناهاری که سال قبل نداد!
فضل الله کاسمی - تهران

بهارا بر تو از ما صد درود است
که دیدارت ز دل غم را زدوده است
قناری نغمه می‌خواند به صد شوق
طبیعت غرق آواز و سرود است

بهار آمد ز ره شاداب و خندان
زمستان رفت با چشمان گریان
زمین از خرمی رشک جنان شد
بنفشه‌زار گشته خاک ایران

عزیزان بر شما تبریک این عید
شکوفا شد به دل‌ها نور امید
ز عریانی رهایی یافت جنگل
جوانه بر تن هر شاخه رویید

زمستان رفت با سرما و سختی
طبیعت شد رها از تیره‌بختی
نسیم سبز نوروزی به صد مهر
کند نجوا به گوش هر درختی

شده عید و هوا گشته بهاری
خزان از باغ و بستان شد فراری
شکسته شد سکوت سرد جنگل
به روی شاخه می‌خواند قناری
اسماعیل مزیدی - علی‌آباد کتول

برگ

برگی ز شاخه چکیده‌ست
لرزان و پژمرده در کوی
میراندش هر زمان باد
بیهوده زین سو بدان سوی!
روزی که بر شاخه‌ی سبز
رقصان ز باد سحر بود
از حال او باغبان نیز
در باغ خود بی‌خبر بود!!
برگی در انبوه جنگل
یادآوری از عدم‌هاست
یک دم در این جا فریبی‌ست
هستی، گر این گونه دم‌هاست!

دکتر شرف‌الدین خراسانی - تهران

دوبیتی‌های بهاری

عزیزان مژده هنگام بهاره
زمین سرسبز و صحرا لاله‌زاره
دوباره چشمه‌ها گردیده جوشان
روان آب از دل هر کوهساره

رسید از ره پرستوی بهاری
پیام آورد با امیدواری
که دیگر موسم سرما سرآمد
زمستان رفته با صد شرمساری

بهار امید

اهل زمین گذشت دی، زنده شده است خم می
کینه و بغض و دشمنی، جنگ و جدال تا به کی
ساقی عاشقان منم، ریشه ی کینه می کنم
یک به یکی بیاله می، بعد به بانگ نای و نی
دشتت پر از شکوفه ی بادام و بیدمشک
دشتت پر از شقایق و لاله
بهشت وار
از قلّه تا شیار همه
دره های دور
جاری به نای
زمزمه های تو جو بیار
از باد نرم پوی تو تا کی
رسد به گوش
هان این بهار
ما مانده ایم

نوروز

هم چو نوروز در اقطار جهان
عید خوش نام دل افروزی هست؟
شب و روزش متعادل به تراز
چون ترازو که توازن زده است؟
یا که بر تهنیت فصل بهار
گل به دامن ببرد لاله به دست؟

آن همه حيله و نیرنگ که رفت
تا دهد دولت نوروز شکست
چون هم آورد وطن دوست نگشت
طرفی از آن همه ترند نیست
عاقبت دشمن شادی و سرور
سر به تسلیم ز پیکار نشست
گل شادی بنشان بر لب دوست
خاک غم بر سر بیگانه پرست
که چنین عید دل افروز رسد
جشن پیروز نیاکان من است
حسین پاییزی - همدان

نوروز

خوش آمدی بهار
نوباوه ی یگانه ی دامان روزگار
پیمانها ت ز شبنم و باران همیشه پُر
باغت پر از شکوفه ی بادام و بیدمشک
دشتت پر از شقایق و لاله
بهشت وار
از قلّه تا شیار همه
دره های دور
جاری به نای
زمزمه های تو جو بیار
از باد نرم پوی تو تا کی
رسد به گوش
هان این بهار
ما مانده ایم

در پشت لحظه های شکوفه به انتظار

شمس الدین سیّدان - تهران

عید نوروزی

پرده از روی تو گلچهره کشیدن، چه خوش است
ماه نو، در خم ابروی تو دیدن، چه خوش است
دور از چشم رقیبان بداندیش و حسود
عاشقانه به وصال تو رسیدن، چه خوش است
با تو باشم نبود بیم خزانم به حیات
در فراق تو به سوی تو دویدن، چه خوش است
پای تا سر همه نازی و پر از غنج و دلال
ناز آن دلبر طنّاز خریدن، چه خوش است
عید نوروز مرا، دیدن روی تو نکوست
از لب لعل تو تبریک شنیدن، چه خوش است
عوض عیدی و شیرینی از آن جام لب
بوسه بگرفتن و بسیار مکیدن، چه خوش است
هم چو نوروزی بیدل که بود عاشق تو
گلی از گلشن رخسار تو چیدن چه خوش است
حسین نوروزی - تهران

سیب غزل

بمان که سیب غزل با تو چیدنی شده است
تمام دفتر من از تو دیدنی شده است
همیشه حادثه ی چشم های تو آبی است
که ارتفاع نگاهت پریدنی شده است
بخوان به نام گل سرخ خوب من این باد
دلّم برای صدایت تپیدنی شده است
فقط اشاره کنی با تو سبز خواهم شد
که این درخت سترون رسیدنی شده است
تو عاشقانه ترین بیت این غزل هستی
به این دلیل دل من شنیدنی شده است
شروع شعر منی صادقانه و زیبا
بمان که سیب غزل با تو چیدنی شده است
سید رضا قریشی نژاد - سبزوار

هزار خراسان

در خون من غرور نیاکان نهفته است
خشم و ستیز رستم دستان نهفته است
در تنگنای سینه ی حسرت کشیده ام
گهواره ی بصیرت مردان نهفته است
خاک مرا جزیره ی خشکی گمان مبر
دریای بی کران و خروشان نهفته است
خالی دل مرا تو ز تاب و توان مدان
شیر ژبان میان نیستان نهفته است
پنداشتی که ریشه ی پیوند من گسست
در سینه ام هزار خراسان نهفته است
اسکندر ختلانی

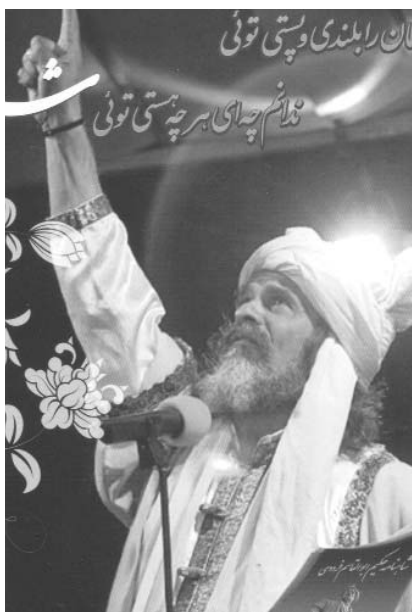
● درگذشت استاد دکتر محمد خوانساری، استاد دانشگاه تهران را به جامعه ی دانشگاهی، فرهنگی و ادبی کشور تسلیت می گوئیم.
● استاد محمدعلی بیگدلی آذری که نمونه ی شعرش در مجله ی حافظ چاپ شده بود در اسفند ۱۳۸۸ به رحمت خدا رفت. به بازماندگان ایشان بویژه آقای دکتر حسین بیگدلی (وکیل محترم دادگستری) تسلیت می گوئیم.

شعری در حمایت از ماهنامه ی حافظ

۱۰۱۸- امیر صادقی، تهران

استاد روایتگر شاهنامه ی فردوسی و مؤسس فردوسی سرای ایران

بمانید شادان دل و سرفراز
ز هر آرزو جان‌تان بی‌نیاز
به حافظ گرای و ورا یار باش
جهان بود و تو جاودان تار باش
خود و همسر و بچه‌گانت دراز
بمانید شادان دل و سرفراز
شما هم به هرچه خروش آورید
جهنده جهان را به جوش آورید
همه یک به یک مهربانی کنید
به کلّ جهان پاسبانی کنید
به صلح جهانی بکوشید سخت
به فرّ جهان داور نیک‌بخت
جهان را بسازید هم‌چون بهشت
مگویید هرگز سخن‌های زشت
بگو یید این پند در گوش باد
چو ایران نباشد تن ما مباد



۳۰ شعر دیگر در حمایت حافظ از

جمله از احمد مدرس زاده، اسماعیل مزیدی،
سعید شریفان، قربان کولائیان، فریدون
نوزاد، محمدحسین خلیلی، حسن مروچی،
محمدعلی روح‌افزا و ... در شماره‌های بعد
چاپ می‌شود.

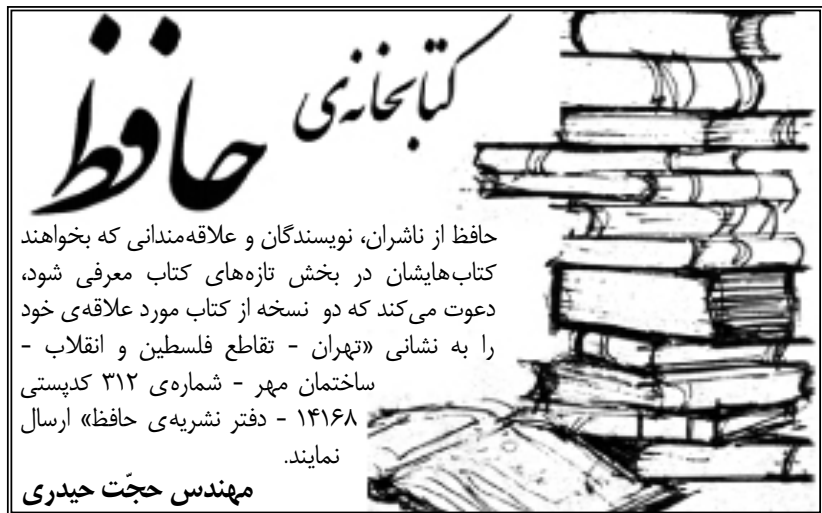
بمانی به دوران گیتی امین
دل دوستانت به تو شاد باد
سخن‌های دشمن همه باد باد
به نشریه دیدم همان روی تو
پراکنده شد هم‌چو گل بوی تو
چو تندیس‌تان را به رخ دیدمی
به گیتی ز هر کس پرسیدمی
که این حافظ است یا که دکتر امین
که در کار دانش گرفته کمین
حضور ار نشد نامه‌یی داشتم
گل بخردی در جهان کاشتم
بگفتم که با تو بگیرم تماس
بگویم سر دشمنانت به داس
بگویم که ای یار فرخنده کیش
که هرگز نکردی دلی را پریش
بمانی به گیتی درون سال صد
نبینی تو هرگز یکی روز بد
خرد در سر و مغز تو بیش‌تر
به قلب تعصب زده نیست‌تر
به حافظ گرای و ز حافظ بگوی
بدین جوی نزد جهان آبروی
نوشتار تودر جهان خوانده بد
به گیتی درون دشمنان مانده به
ز حافظ بگو هم به خط کن پدید
که هر کس به نیکی پیامت شنید
کنون **صادقی** از خداوند هور
خداوند آن اختران فکور
بخواهد که هرگز نباشی نژند
خرد بگذرد تا به چرخ بلند
تو و جمله حافظ‌شناسان دهر
که از دانش و بخردی برده بهر

تقدیم به مجله‌ی **حافظ** بزرگ و سردبیر
گرانقدرش جناب دکتر امین، امین فرهنگ
ایران که در راستای مفاخر ملی ایران زمین از
هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. پربار باد
مجله‌ی حافظ و برقرار باد نام حافظ و
دوستان‌اران حافظ.

اگرچه نمی‌شود حافظ شد

اما به قدر توان می‌شود حافظ حافظ بود.

مرا پیشه باشد روایتگری
ز شهنامه گویم به لفظ دری
امین! ای حسن یار حافظ‌شناس
بباید کنون نام تو در جناس
بگویند با هم همه شاعران
به دیوان خود نام تو بی‌کران
کجا نام حافظ تو کردی بلند
و دیگر که خود گشته‌یی ارجمند
بزرگی گرفته کنون نام تو
سخن شد به گیتی درون، رام تو
ز حافظ بگفتی به هر انجمن
به نشریه دادی تو داد سخن
همه شاعران و نویسندگان
و دیگر بزرگان و گردنکشان
به یاد تو هر یک سخن آورند
اگرچه به کار سخن داورند
امین باش و حافظ تو را یار باد
سر بدسگالان نگون‌سار باد
قلم در گفت هم‌چو برنده تیغ
فروشی به هر جا چو غرنده میغ
ببارد دو دستت چو ابر بهار
که باشد تو را از بزرگان تبار
دو چشمان تو هم‌چنان تیزبین



یکی از عزیزان عکاس هنرمند (استاد اکبر کشاورز شیرازی) را به نشانه‌ی احترام به کسانی که در جنگ ایران و عراق جنگیدند و بعضی شیمیایی شدند و هم‌چنان تاوان حضور خود را در جبهه‌ی دفاع از کشور می‌دهند، چاپ می‌کنیم.

○ **حقوق بشر و کثرت‌گرایی دینی،**
 پروفیسور سید حسن امین، تهران، انتشارات چاپخانه‌ی رامین، ۱۳۷۹، ۱۷۲ ص.

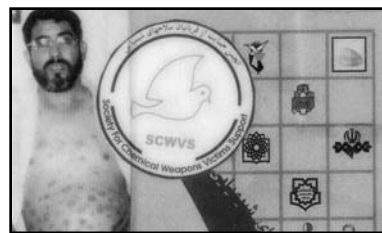
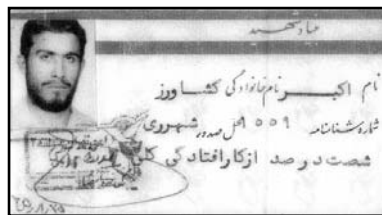
کتاب مذکور درباره‌ی ارتباط حقوق بشر و کثرت‌گرایی دینی می‌باشد و این که آیا کثرت‌گرایی دینی به دموکراسی نزدیک است یا نه؟ و ارتباط کثرت‌گرایی دینی با حقوق شهروندی و حقوق مدنی افراد جامعه که در این کتاب درباره‌ی آن بسیار بحث شده است. این کتاب دارای بخش‌های متعددی است که در هر بخشی مفاهیمی که مربوط به وجود یا عدم پذیرش کثرت‌گرایی در دوره‌های مختلف تاریخی ایران می‌باشد، به طور کامل بررسی شده است.

○ **تاریخ ریز: زرین‌شهر اصفهان،**
 مهندس حسین پارسا، اصفهان، نشر خورشید باران، ۱۳۸۸، ۲۵۴ ص.

ریز (= زرین‌شهر فعلی)، مرکز شهرستان لنجان در جنوب‌غربی اصفهان است. لنجان یکی از هفده شهرستان استان پهناور اصفهان به مرکزیت زرین‌شهر است. کتاب حاضر، به بررسی جغرافیای طبیعی، جغرافیای تاریخی، جغرافیای سیاسی و اجتماعی این منطقه می‌پردازد و سپس نام‌آوران این شهرستان را یاد می‌کند. در پایان این کتاب ارزنده هم شعری از سید مهران موسوی (آشنا) راجع به بزرگان این شهر چاپ شده است.

○ **امیر خستگی‌ناپذیر،** سرهنگ احمد حسینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۳۲۰ ص.

این کتاب ارزشمند زندگی‌نامه‌ی سرلشکر شهید ولی‌الله فلاحی است که نویسنده با بیانی زیبا و به صورت داستانی مستند آن را بیان کرده. هم‌چنین فصل‌های آن در برگیرنده‌ی عملیات‌های جنگی می‌باشد. مسأله‌ی که بر جذابیت این کتاب می‌افزاید، عکس‌هایی است از شهید فلاحی که نظر خواننده را بیش از پیش جلب می‌کند. ما به همه‌ی کسانی که از مرزهای کشورمان پاسداری کرده و می‌کنند مدیونیم. در این شماره، کارت



○ **اشعار مذهبی استاد دکتر نصرت‌الله کاسمی،** با ویراستاری و مقدمه‌ی به قلم پروفیسور سید حسن امین، به اهتمام و گردآوری فضل‌الله کاسمی، تهران، دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۹، ۱۷۶ ص.

کتاب حاضر، مجموعه‌ی اشعار مذهبی زنده‌یاد استاد دکتر نصرت‌الله کاسمی (۱۲۸۹-۱۳۷۴) پزشک، ادیب، مترجم، شاعر و سیاستمدار نامدار عصر پهلوی دوم است.

این کتاب دارای شش بخش است: پیشگفتار به قلم فضل‌الله کاسمی، مقدمه درباره‌ی شعر مذهبی به قلم پرفیسور امین، اشعار مذهبی شامل نور خدا در غار حرا، علی مظهرالعجائب و... اثر طبع دکتر کاسمی، چند شعر برای دکتر کاسمی توسط مشرف، توران شهریاری، حسین وزیری، عبدالرفیع حقیقت، ادیب برومند و حسین آهی، زندگی و خاطرات شاعر، سال‌شمار و کتاب‌شناسی. نمونه‌ی شعر:

زندگی نکته‌ی مرموزی نیست
 غیر تبدیل شب و روزی نیست
 تلخ و شوری که به نام عمر است
 راستی، آس دهن‌سوزی نیست

○ **تاریخ ایل عبدالملکی** (پژوهشی در مردم‌شناسی ایران)، رضا عبدالملکی، ساری، انتشارات شلفین، ۱۳۸۸، ۲۱۰ ص.
این کتاب تألیف رضا قنبری عبدالملکی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان) است و شامل ۱۶۸ صفحه متن و چهل صفحه اسناد و تصاویر در خصوص ایل عبدالملکی از کردهای «اورامی» است که تیره‌یی از آن در سواحل دریای مازندران (از جمله زاغمرز شهرستان بهشهر) اسکان یافته‌اند. در صفحه‌ی ۱۷۴ این کتاب نامه‌یی از پیرمردان ایل عبدالملکی خطاب به دکتر منوچهر اقبال که در ۱۳۲۹ وزیر راه بوده است، گراور شده که نامبردگان نوشته‌اند: «با کمال توقیر و احترام، با ارسال رونوشت نامه‌ی ۲۹/۳/۱۴ جناب آقای دکتر کاسمی نماینده‌ی محترم مازندران تمنا دارد دستور مؤکد صادر فرمایند. اداره‌ی راه مازندران در احداث جاده‌ی فرعی از رستمکلا به قلعه‌ی زاغمرز مرکز ایل عبدالملکی...»

○ **نامه‌ی سلیمان به ملکه‌ی سبا**، محمدآقا رفیعی، تهران، انتشارات سمیع، ۱۳۸۷، ۱۲۸ ص.
کتاب نام‌برده کتابی ارزشمند در مورد حضرت سلیمان و احادیث معتبر مربوط به این پیامبر بزرگ می‌باشد و هم‌چنین اشعار بسیار زیبا و داستان‌هایی عبرت‌آموز را در این کتاب می‌توان یافت. نویسنده‌ی این کتاب گران‌قدر، این کتاب را به همکاران خود و هم‌چنین به بسیجیان غیور کشور تقدیم کرده است.
در میان ۴۴ منبع این کتاب، **کلیات سعدی** با مقدمه‌ی محمدعلی فروغی، **دیوان حافظ** با مقدمه‌ی سید حسن امین، **احکام اتحادیه‌ی پستی جهانی**، **تاریخچه‌ی پست ایران و جهان** از اهمیت بیش‌تری برخوردارند.
(معرفی از: ساناز ملک‌پور)

○ **راز شکفتن غنچه‌ها در کلاس درس**، محبوبه اخباری ممقانی، تهران، انتشارات آوای سبز، ۱۳۸۱، ۱۱۲ ص.
این کتاب اثر طبع بانوی فرهنگی بازنشسته، خانم محبوب اخباری (متولد ۱۳۱۹) است که شعر شماره‌ی ۱۰۰۲ در حمایت از ماهنامه‌ی حافظ و سردبیرش (چاپ شده در صفحه‌ی ۷۲ حافظ شماره‌ی ۶۶ = بهمن ۱۳۸۸) اثر طبع اوست.
کتاب خواندنی حاضر، خاطرات صادقانه‌ی این فرهنگی شریف و

پر تلاش است که سی سال در آموزش و پرورش نونهالان این کشور سعی بلیغ کرده و اکنون خاطرات تلخ و شیرین زندگی فرهنگی‌اش را به چاپ رسانده است.

○ **یک قطره باران**، محمود خاتمی، مؤسسه‌ی نشر دولتمند، ۱۳۸۸، ۳۷۵ ص.

این کتاب، دیوان اشعار محمود خاتمی (متولد ۱۳۰۲ سمنان است) که با مقدمه و تقریظی به قلم پروفیسور امین شروع می‌شود و شامل اشعار کلاسیک و آزاد شاعر است. از این شاعر قبلاً هم کتابی منتشر شده که عنوان آن **مهتاب** است و با مقدمه‌ی فریدون زرغامی (اسود) منتشر شد. در این کتاب اشعاری هم در حمایت **ماهنامه‌ی حافظ** و سردبیرش به چشم می‌خورند. نمونه‌ی شعر:
خوش بود روزی که نزد خالق یکتا روم
دست از دنیا بشویم سوی حق تنها روم

○ **چاشنی در خوابگاه زیبایی**، رجبعلی فراز، تهران، انتشارات مشکوة، ۱۳۸۴، ۱۰۴ ص.

این کتاب، دفتر شعر آقای رجبعلی فراز می‌باشد که همراه دو کتاب دیگر از آثار او که ذیلاً معرفی می‌شود، به دفتر مجله واصل شده است. در این میان چیزی که نظر هر خواننده‌یی را جلب می‌کند تعریفی است که شاعر در ابتدای کتاب از شعر بیان می‌کند.

○ **خلوت دل**، رجبعلی فراز، تهران، انتشارات همگامان، ۱۳۸۷، ۹۲ ص.

کتاب مذکور دارای اشعار زیبا و قابل ستایشی است. نام‌های شایسته‌یی که برای اشعار انتخاب شده است، زیبایی اشعار را دو چندان می‌کند.

نشریه‌های ادواری

○ **آزما**، ماهنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به مدیریت ندا عابد و سردبیری هوشنگ اعلم، شماره‌ی ۶۹ (بهمن ۱۳۸۸)، ۴۸ ص.

این شماره از مجله‌ی **آزما** با یادداشت سردبیر تحت عنوان «بازکن پنجره را» شروع می‌شد و بلافاصله به‌ویژه‌نامه‌ی بهمن جلالی (عکاس) که در سال گذشته از دنیا رفت، می‌پردازد. بقیه‌ی مجله شامل نقدهای بلند و کوتاه کتاب‌های شعر و قصه و پژوهش

منتشر شده در سال ۱۳۸۸ است، از جمله: «یوسف‌آباد، خیابان سی و سوم» از سینا دادخواه (به قلم علی شروقی)، «شیرنگ بهزاد» از سودابه فضائلی (به قلم ندا عابد)، «هیچ جا مثل این جاست»، از سیلیا آهن (به قلم منصور کیایی) و «ایران‌نامه: تاریخ منظوم ایران» از پروفیسور سید حسن امین (به قلم محمد کاظم‌زاده).

○ **آینده‌نگر**، ارگان مرکزی کانون آینده‌نگری ایران، به مدیریت رامین ناصح، شماره‌ی ۶۰، دی ۱۳۸۸.

مطالب این شماره‌ی نشریه‌ی حاضر شامل سخن سردبیر به مناسبت سالروز کودتای ۲۸ مرداد، بیانیه‌ی کانون درباره‌ی درگذشت شادروان مهندس علیقلی بیانی و چند مطلب دیگر به قلم هشت تن از مشاهیر ایران معاصر است که عکس‌شان بر روی جلد نشریه نیز چاپ شده است به این ترتیب: پروفیسور امین، ادیب برومند، حسین شاه‌حسینی، دکتر ناصر تکمیل همایون، دکتر محسن فرشاد، مجتبی گهستونی، رامین ناصح و هرمز ممیزی. از این نویسندگان نیز به‌عنوان همکاران در روی جلد مجله ذکر نام شده است: محمد بختیارزاده، محمد حسین‌پور، فرشید خدادادیان، پریسا رکنی، لیلا سلامی، مهندس بهروز صفری، احمد عبدالحسینیان.

در همین شماره مصاحبه‌ی نیز با مهندس لطف‌الله میثمی دیده می‌شود.

○ **میراث شهاب**، فصلنامه‌ی کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: دکتر سید محمود مرعشی نجفی، سال پانزدهم، شماره‌ی ۵۲ (تابستان ۱۳۸۷).

این شماره از این نشریه، شامل نمایه‌ی کامل پانزده ساله‌ی این فصلنامه است. در «نمایه‌ی پدیدآورندگان» این فصلنامه، تا تاریخ مزبور (تابستان ۱۳۸۷) به نام این نام‌آشنایان برمی‌خوریم: ایرج افشار، سیدحسن امین، ناصرالدین انصاری قمی، سید محمدعلی ایازی، اکبر ایرانی، رضا بابایی، جويا جهانبخش، ابوالفضل حافظیان بابلی، علی اصغر حقدار، محمدتقی دانش‌پژوه، حسین رفیعی، علی رفیعی علامرو دشتی، پوری سلطانی، علی اشرف صادقی، علی صدرایی خوبی، سیدحسن فاطمی، علی‌اکبر فیض قمی، محمد کریمی زنجانی، غلام‌رضا گلی‌زواره، رضا مختاری، سید شهاب‌الدین مرعشی، سید محمود مرعشی، محمود نجم‌آبادی.

مقالات سید حسن امین در این فصلنامه، شامل این دو مقاله است: «توحیدخانه»، شماره‌ی ۲۱ (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۷۲؛ سابقه‌ی

تواریخ منظوم فارسی، شماره‌ی ۵۶-۵۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، ص ۱۰۰.

○ **نشریه‌ی داخلی انجمن ادبی همدانی‌های مقیم مرکز، آذر و دی ۱۳۸۸، ۴۴ ص.**

انجمن ادبی همدانی‌های مقیم مرکز، به ریاست دکتر شه‌ریار بهاری و نایب‌ریسی یاور همدانی و مدیر عاملی امیرحسین مفتون همه‌ماهه در فرهنگسرای شفق برگزار می‌شود. گزارش مراسم آذر و دی سال گذشته در این شماره چاپ شده است. اولین مطلب این شماره، غزلی از مفتون همدانی است، آن‌گاه پس از ذکر خلاصه‌ی بیانات دکتر رضا ایزدی، اشعار سید علی امینی (غریق)، دکتر شه‌ریار بهاری، علیرضا تبریزی، جلال مهدیانی، محمدرضا عالی پیام (هالو) و یاور همدانی ضبط شده و سپس سخنرانی پروفیسور سید حسن امین درباره‌ی ابن‌سینا تلخیص شده است. دیگر شاعران این مجلس عبارتند از: الهام ساعی، شاهرخ ذوقی، هوشنگ ترابی (شهرآز)، دکتر ناصر قائمی و... در پایان اشاره شده است که: هنرمند جوان جناب آقای همای قطعات موسیقی زیبایی (شعر اول موسیقی، چهارپارهی از سروده‌های پروفیسور امین و شعر دوم موسیقی از سروده‌های خود همای) اجرا نمودند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در پایان، سید گلی از طرف انجمن توسط جناب آقای پروفیسور امین به ایشان اهدا شد. « (ص ۱۹)

○ **هنرپو**، فصلنامه‌ی خبری - تحلیلی هنرهای هفت‌گانه، به مدیریت محمدکاظم سالمی، شماره‌ی ۳۰، بهار ۱۳۸۸.

این شماره‌ی **هنرپو** با سرمقاله‌ی کوتاه به قلم محمدکاظم سالمی است. در بخش مقالات، نویسندگان این شماره‌ی مجله عبارتند از: پروفیسور سید حسن امین، دکتر محمدرضا بیگدلی، سیده سارا قاسمی‌پور مرادی، دکتر حجت‌الله منیری و چند تن دیگر. در بخش اشعار، اشعاری از این شاعران دیده می‌شود: مهندس علی اصغر فراز - سیروس حقدو (موقرالشعرا) - سید محمد سراج - علی محمد مواهبی طباطبایی - دکتر شه‌ریار جعفری منصور - طیبه برنجی (شیفته) - سید محمد تهرانپور (سفر نیشابوری) - قامتعلی ملکی (ظاهر) - دکتر حجت‌الله منیری - علی قربانخانلو - لهما واسع حقدوست و چندین تن دیگر.

در این شماره‌ی **هنرپو**، ضمن معرفی ویژه‌نامه‌ی «همایش امین: فرصتی برای بزرگداشت اندیشه‌های سترگ»، فهرست بالنسبه کاملی از تألیفات و تصنیفات پروفیسور امین نیز منتشر شده است.

انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی

محصولات فرهنگی ما را از طریق پست مستقیماً خریداری فرمایید. ما تعهد می کنیم که اثر خریداری شده را برای خودتان یا برای دوستان یا خویشان علاقه مند شما در داخل یا خارج از کشور با پست سفارشی ارسال کنیم.

عنوان اثر	صاحب اثر	بها
مجلد یکم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده - کمیاب)	۱۲ شماره (فروردین - اسفند ۱۳۸۳)	۱۴۰۰۰۰ ریال
مجلد دوم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده)	۹ شماره (فروردین - آذر ۱۳۸۴)	۱۲۰۰۰۰ ریال
مجلد سوم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده)	۱۰ شماره (دی ۸۴ تا تیر ۱۳۸۵)	۱۲۰۰۰۰ ریال
مجلد چهارم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده)	۸ شماره (امرداد ۸۵ تا اسفند ۱۳۸۵)	۱۲۰۰۰۰ ریال
مجلد پنجم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده)	۱۲ شماره (آذر ۸۵ تا اسفند ۱۳۸۶)	۱۲۰۰۰۰ ریال
مجلد ششم ماهنامه ی حافظ (صحافی شده)	۱۰ شماره (فروردین ۸۶ تا اسفند ۱۳۸۶)	۱۵۰۰۰۰ ریال
دانشنامه ی شعر (جلد اول)	پروفیسور سیدحسن امین	۱۲۰۰۰۰ ریال
دانشنامه ی شعر (جلد پنجم: دیوان امین)	پروفیسور سیدحسن امین	۱۴۰۰۰۰ ریال
چهل گفتار در ایران شناسی و اسلام شناسی	نوشته ی چهل استاد ایران شناس و اسلام شناس	۸۰۰۰۰ ریال
تاریخ حقوق ایران (۸۸۸ صفحه)	پروفیسور سیدحسن امین	۸۵۰۰۰ ریال
ایران نامه (تاریخ منظوم ایران)	پروفیسور سیدحسن امین	۲۰۰۰۰۰ ریال
ادبیات معاصر ایران	پروفیسور سیدحسن امین	۵۰۰۰۰ ریال
دانشنامه ی تاریخ جهان (از آغاز تا ظهور صفویه)	ترجمه ی دکتر محمود زنجانی	۲۰۰۰۰۰ ریال
دایرة المعارف خواب و رؤیا	پروفیسور سیدحسن امین	۷۰۰۰۰ ریال
تأملات نابهنگام نیچه	فریدریش ویلهلم نیچه	۷۰۰۰۰ ریال
دیوان اسرار: کلیات اشعار فارسی	حاج ملأهادی سبزواری	۷۰۰۰۰ ریال
سلامان و ابسال در چهارده روایت	ابن سینا، خواجه نصیر، جامی و ...	۶۰۰۰۰ ریال
کارنامه ی غنی: تحولات عصر پهلوی	عصر پهلوی براساس یادداشت های دکتر قاسم غنی	۷۰۰۰۰ ریال
نامه های دکتر قاسم غنی	دکتر سیروس غنی و دکتر سیدحسن امین (چاپ لندن)	۴۰۰۰۰ ریال
تاریخ سبزواری: مشاهیر اسفراین، بیهقی، جوین و سبزواری	سید علینقی امین	۴۵۰۰۰ ریال
مادر در ادبیات معاصر ایران	رحیمی فضلی	۵۰۰۰۰ ریال
شواهد النبوه (نایاب، فقط یک جلد وجود دارد..)	عبدالرحمان جامی	۲۰۰۰۰۰ ریال

برگ در خواست خرید تولیدات فرهنگی دایرة المعارف ایران شناسی

الف - نشانی کامل پستی کسی که کتاب / مجله / سی دی / نوار صوتی باید برای ایشان پست شود:
نام و نام خانوادگی:

نشانی و کدپستی دریافت کننده:

ب- عنوان کتاب / مجله / لوح فشرده ی درخواستی:

ج: نحوه ی پرداخت بهای کتاب:

لطفاً بهای کتاب ها یا سی دی درخواستی به اضافه ی هزینه ی پست سفارشی (داخل کشور: ۱۰۰۰ تومان؛ خارج کشور: ۸۰۰۰ تومان) را جمع ببندید و به حساب سیبیا، شماره ی ۰۱۰۲۰۰۱۸۴۳۰۰۸ نزد بانک ملی، شعبه ی دانشگاه تهران، کد ۸۷ (به نام مهندس حجت حیدری) واریز فرمایید و سپس رسید بانکی و کتاب ها یا نوار مورد درخواست خود را با نامه یا تلفن یا فاکس به ما اعلام فرمایید.

تهران - تقاطع انقلاب و فلسطین - ساختمان مهر - شماره ی ۳۱۲ - طبقه ی سوم - دایرة المعارف ایران شناسی

کدپستی ۱۴۱۶۸ ؛ تلفن ۶۶۹۶۸۴۸۸ ؛ فاکس ۶۶۹۶۸۴۸۷

متن دوزبانه‌ی قانون مدنی ایران

ترجمه‌ی انگلیسی به قلم: پروفیسور سیدحسن امین

قاضی اسبق دادگستری ایران، استاد بازنشسته‌ی کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیا

وکیل دادگاه‌های عالی اسکاتلند

[تعریف عقد جائز]

ماده‌ی ۱۸۶- عقد جائز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند.

ماده‌ی ۱۸۷- عقد ممکن است به یک طرف لازم باشد و نسبت به طرف دیگر جائز.

ماده‌ی ۱۸۸- عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد.

ماده‌ی ۱۸۹- عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد و الاً معلق خواهد بود.

فصل دوم

در شرایط اساسی برای صحت معامله

ماده‌ی ۱۹۰- برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

- ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها.
- ۲- اهلیت طرفین.
- ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد.
- ۴- مشروعیت جهت معامله.

مبحث اول

در قصد طرفین و رضای آن‌ها

ماده‌ی ۱۹۱- عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.

باب ششم: در شکار

ماده‌ی ۱۷۹- شکار کردن موجب تملک است.

ماده‌ی ۱۸۰- شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد، موجب تملک نمی‌شود.

ماده‌ی ۱۸۱- اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند، زنبور عسلی که در آن جمع می‌شوند ملک آن شخص است همین‌طور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود.

ماده‌ی ۱۸۲- مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد.

قسمت دوم

در عقود و معاملات و الزامات

باب اول

در عقود و تعهدات به طور کلی

ماده‌ی ۱۸۳- عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.

فصل اول

در اقسام عقود و معاملات

ماده‌ی ۱۸۴- عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم می‌شوند: لازم، جائز، خیاری، منجز و معلق.

[تعریف عقد لازم]

ماده‌ی ۱۸۵- عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه.

THE CIVIL CODE OF IRAN

AS AMENDED AND IN FORCE IN 2010

Translated by: S. H. Amin, Ph.D (Glasgow), Advocate (Edinburgh)
Formerly Professor of Law at Glasgow Caledonian University

CHAPTER 6 ON GAME

Article 179- Capturing of wild animals results in their ownership for the hunter.

Article 180- Capturing of tame animals and of other animals that bear marks of ownership does not confer ownership.

Article 181- If anyone prepares a hive or a place for bees, the bees and the honey shall be his property. Similarly pigeons gathered in a pigeon tower belong to the owner of the tower.

Article 182- Other game laws will be laid down in special regulations.

PART 2 REGARDING CONTRACTS, TRANSACTIONS & OBLIGATIONS CHAPTER 1 ON CONTRACTS AND OBLIGATIONS IN GENERAL

Article 183- A contract is made when one or more persons make a mutual agreement with another one or more persons, on a certain thing, and that agreement is accepted by the latter person.

SECTION 1 On the Different Types of Contracts and Transactions

Article 184- Contracts and transactions are divided into the following categories: a binding contract - a revocable contract - an optional contract - an unconditional contract - a conditional contract.

Article 185- A binding contract is one which

cannot be broken by either party except under specified circumstances.

Article 186- A revocable contract can be cancelled by either party whenever he likes.

Article 187- A contract may be binding on one party but revocable by the other.

Article 188- An optional contract can be cancelled by either party, by both parties or by a third party.

Article 189- An unconditional contract is one which is not, in the intention of the makers, contingent upon any outside matter. Otherwise it is a conditional contract.

SECTION 2 On the Essential Conditions for the Validity of a Transaction

Article 190- For the validity of a contract the following conditions are essential:

- (1) The intention and mutual consent of both parties to the contract.
- (2) The competence of both parties.
- (3) There must be a definite thing which forms the subject-matter of the contract.
- (4) The cause of the transaction must be lawful.

SUBSECTION 1 Regarding the Intention and Mutual Consent of Both Parties to the Contract

Article 191- A contract only becomes complete through the real intention of the contractor, and this real intention must be accompanied by some factor which proves that there was such an intention.

HAFIZ MONTHLY

A PERIODICAL OF IRANIAN STUDIES

Issue : 68

April 2010

ISSN : 1735-1421

All correspondence should be addressed to the Editor:

Hassan Amin, Ph.D. (Glasgow), Advocate (Edinburgh)
The Encyclopaedia of Iran Publications
Mehr Building, 312 Felestine Street, Enghelab Avenue,
Tehran, Iran, Post Code: 1416814574
Tel: 009821-66968488 Fax: 009821 - 66968487
E-Mail:hafizmonthly@hotmail.com

- Editor-in-Chief : Professor Hassan Amin, Ph.D.
- Executive Director : Hojjat Heydari, MSc.
- Librarian : Manouchehr Raeesi
- Typesetting & Layout : Azam Daneshjoo, B.A.
- In-House Manager : Sara Heydari, B.A.
- Production Manager : Ali Akbar Asadzadeh, LL.B.
- Public Relations: M. Amin, B.A. and B. Aman

Hafiz Monthly, is an independent Iranian journal - dedicated to Iranian studies. The authorities of the Islamic Republic of Iran - in breach of the freedom of the Press - stopped its publication and circulation in October 2006. It is now only published as a gesture of "civil disobedience" for which Hassan Amin is being prosecuted by the Islamic Republic! It covers a wide range of subjects - including Persian literature and contemporary political history, as well as the cultural, legal and political developments in the present-day Iran. The varied essays and reports represent all the major cultural, legal and political trends in the contemporary Iran. In each issue, **Hafiz Monthly**, publishes several detailed research articles and interviews, along with a number of shorter works by contemporary Iranian scholars, writers and poets. The contributors range from national figures, ex-ministers, leading professors, well-known authors and scholars to younger and upcoming writers and poets. **Hafiz Monthly**, also disseminates information on recent publications and cultural events in and about Iran and highlights social and economic issues which are of interest to its readership.

Hafiz Monthly, is a refereed journal. The selection of all published material is processed through a qualitative assessment by the Editorial Board - with the help of outside experts and external assessors.

SUBSCRIPTION FORM

برای اشتراک مجموعه‌ی مقالات دوستداران حافظ

هزینه‌ی اشتراک (شامل هزینه‌ی پست) در داخل کشور / یک سال: اشخاص ۲۴/۰۰۰ تومان؛ موسسات ۳۶/۰۰۰ تومان

هزینه‌ی اشتراک (شامل هزینه‌ی پست) در خارج کشور / یک سال: ۵۰ یورو (معادل ریالی ۶۵/۰۰۰ تومان)

۱- برای اشتراک درون مرزی، وجه اشتراک (اشخاص حقیقی ۲۴۰۰۰۰ ریال / موسسات ۳۶۰۰۰۰ ریال) را به حساب سیبا، شماره حساب ۰۱۰۲۰۰۱۸۴۳۰۰۸ نزد بانک ملی، شعبه‌ی دانشگاه تهران کد ۸۷ به نام حجت‌حیدری واریز فرمایید.

۲- برای اشتراک برون مرزی، وجه اشتراک (۷۵۰۰۰۰ ریال / معادل تقریبی ۶۰ یورو) را به حساب سیبا، شماره حساب ۰۱۰۲۰۰۱۸۴۳۰۰۸ نزد بانک ملی، شعبه دانشگاه تهران، کد ۸۷ به نام حجت‌حیدری واریز فرمایید.

۳- برگ اشتراک (فتوکپی فرم زیر و یا نامه‌ی جداگانه) را همراه رسید بانکی به نشانی مجله پست / فاکس فرمایید:

تهران- تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر - شماره‌ی ۳۱۲ - دایرةالمعارف ایران شناسی - کدپستی: ۱۴۱۶۸ - فاکس ۶۶۹۶۸۴۸۷

برگ درخواست اشتراک مجموعه‌ی مقالات حافظ

نام و نام خانوادگی متقاضی:

در صورت تمديد اشتراک شماره‌ی اشتراک موجود:

آدرس پستی برای ارسال مجله: استان: شهر:

خیابان: کوچه: پلاک:

کدپستی: تلفن (در صورت علاقه‌مندی):

دعوت به اشتراک نشریه‌ی داخلی دوستداران حافظ